

گزارش هیئت اعزامی مشترک جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و جمعیت حقوقدانان ایران راجع به واقعه فجیع کرمان

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر - جمعیت حقوقدانان ایران

امضا کنندگان زیر این گزارش بعنوان هیئت مشترک اعزامی از طرف جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و جمعیت حقوقدانان ایران برای بررسی واقعه کرمان روز سه شنبه دوم آبانماه ۵۷ به کرمان عزیمت نمودیم پس از ورود به کرمان بلافاصله و به ترتیب به اقدامات زیر پرداختیم:

۱- دیدار از حضرت آیت الله صالحی کرمانی

از فرودگاه مستقیماً برای دیدار حضرت آیت الله صالحی کرمانی که فعلاً در منزل دامادشان بستری هستند رفتیم و در محضر ایشان چند تن از آقایان روحانیان و جمعی دیگر حضور داشتند.

ابتدا مراتب تسلیت و تأثر و همدردی هیئت و جمعیت های مزبور و قاطبه ملت ایران را نسبت به فاجعه دردناک روز دوشنبه ۲۴ مهر ماه به حضور آیت الله و همه مردم زجر دیده کرمان عرضه داشتیم، سپس معظم له که از ابتدا در مسجد جامع حضور داشته و آخرین نفری بوده اند که مسجد را ترک کرده اند در حالیکه فوق العاده متأثر بودند و اظهاراتشان با گریه قطع میشد مختصری درباره واقعه و حمله و هجوم اشرا و کولیاها به حمایت و همدستی ماموران به مسجد جامع و ضرب و جرح مردم و سوزاندن و پاره کردن قرآنها و کتب موجود دیگر و دریدن جامه زنها و تیراندازی و رها کردن گاز اشک آور در داخل شبستان و درصحن مسجد، فرمودند و اضافه کردند که حاضران عباها و پیراهنهای خود را برای پوشاندن زنها میدادند و خود ایشان عباي خود را به زنی که جامه بر تنش دریده بودند داده اند، با معظم له که در اعلامیه ای از ظلمی که بر مسجد و مردم رفته است حکایت کرده اند مذاکره شد که بعنوان امام جماعت و مسئول و محافظ مسجد اقدام و تعقیب قانونی را از مراجع قضائی کرمان بخواهند، سپس حاضران مجلس که همگی روز واقعه در مسجد حضور داشته اند هر یک شرحی یا نکاتی درباره ماجرا گفتند که خلاصه مجموع آنها بدین قرار است:

روز دوشنبه ۲۴ مهرماه جمعیت کثیری (بیش از پانزده هزار نفر) به مناسبت چهلم شهدا " جمعه سیاه تهران و سالگرد فوت حجت الاسلام حاج سید مصطفی فرزند آیت الله العظمی خمینی در مسجد جامع کرمان گرد آمده بودند قبلاً در نظر گرفته شده بود که پس از ختم جلسه راهپیمائی آرامی صورت گیرد، وقتی آقای صمدانی از وعاظ شهر بالای منبر بودند و مطالبی با ملایمت تمام میگفتند خبر رسید که عده ای از کولیاها و اشرا مسلح به چماق تحت حمایت مامورین انتظامی در خیابانها به تظاهرات آشوربگرانه پرداخته اند. برای جلوگیری از برخورد به آقای صمدانی تذکر داده شد که از منبر به مردم اعلام کنید که برنامه راهپیمائی صورت نخواهد گرفت در این موقع دود آتش از پشت دیوارها از طرف جلوخان مسجد زبانه کشید و معلوم شد که مهاجمین موتور سیکلتها و دوچرخه های حاضران در مسجد را که در قسمت جلوخان مسجد گذاشته بودند به آتش کشیده اند کمی بعد کولیاها و اشرا و مامورین در بام مسجد ظاهر شدند و با پراندن سنگ و آجر و تیر اندازی به روی مردم عده ای را مجروح کردند و مردم ناچار به داخل شبستانها هجوم بردند و درهای شبستانها را بستند. سپس حمله و هجوم اشرا بدخل مسجد شروع شد در حالیکه با شکستن شیشه های کلاه فرنگی ها از آنجا کپسول گاز اشک آور و بنابه گفته عده ای از حاضران گازی قهوه ای رنگ که ممکن است گاز خفه کننده باشد بدخل شبستانها پرتاب میکردند. در نتیجه

جمعیت متراکم و فشرده داخل شبستانها که گازهای مذکور آنها را بحالت خفگی انداخته بود و بخصوص وضع حال کودکان و مادران آنها بسیار اسفناک و دلخراش بود از شبستان بیرون آمدند که مهاجمین با چوب و چماق های مخصوص که در سر گرز مانند آنها میخهائی تعبیه شده بود به آنها حمله ور شدند و بشدت آنها را مضروب کردند و سر میخ چماق را به یقه پیراهن زنها بند میکردند و به پائین می کشیدند بطوریکه تمام لباس سرتا سر پاره میشد و زنها عریان میشدند و مردها با دادن عباها و حتی پیراهنهای خود سعی میکردند زنها را پوشانند و هر کس میخواست چماق را از دست یک مهاجم بگیرد بلافاصله با تیر مامورین از پا در می آمد و سپس عده ای از مهاجمین بداخل شبستانها هجوم بردند و قالیها را آتش زدند و با بیرحمی مردم را با باطون زدند و بداخل شبستان زنانه که هنوز عده ای از زنها در آنجا بودند حمله کردند ابتدا زنها را مسن را مضروب کرده و بیرون انداختند سپس به جان زنها دیگر افتادند تعداد زیادی کودک در اثر گازهای مسموم خفه شد یا زیر دست و پا له شد یا با چماق و گلوله از پا در آمد و مامورین به سرعت مقتولین را بیرون میبردند و دران احوال به تدریج هر که زنده بود مضروب و مجروح فرار کردند و عده زیادی از ترس حتی به بیمارستانها نرفته و عده ای هم که به بیمارستان میرفتند یا دیگران آنها را میبردند از گفتن اسم و مشخصات خود امتناع داشتند به همین دلیل تعداد دقیق مقتولین که مسلماً از بیست نفر متجاوزند و تعداد دقیق مجروحین در دست نیست. اطلاعات دیگری که میدادند خبر از این داشت که روز قبل از حادثه سید عباس طاهری (معروف به عباس پهلوان)، سر سپور شهرداری، اشخاص متفرقه را برای حمله اجیر میکرده است و شب قبل از هجوم چهار نفر مبه منزل طهماسبی که از خدمتگزاران مسجد جامع است رفته اند که با بنزین آنها را آتش بزنند ولی موفق نشده اند.

بعد از غائله مسجد که چند ساعت طول کشیده مهاجمان به بنگاهها و مغازه هائی که قبلاً در نظر گرفته بودند و صاحبان آنها به ارادت نسبت به حضرت آیت الله خمینی شهرت داشته و عکشهائی از معظم له نصب کرده بودند رفته و به آتش سوزی و شکستن در و شیشه و غارت پرداخته اند. از جمله آنها برادران عقابیان، حسین منصوری و افتخار ساعت فروش بوده اند. یکی از برادران عقابیان برای دیدار اعضاء هیئت آمد و مشروحاً جریان آتش زدن و غارت فروشگاههای خود و دعوت تلفنی خویش را از طرف پلیس برای حضور در آتش سوزی توصیف کرد و افزود بنگاه اتومبیل فروشی من در خیابان محمدرضا شاه است و در اطراف آن با فواصل خیلی کم ادارات شهربانی، شهرداری، آتش نشانی، فرمانداری و دادگستری قرار دارند (و فاصله دورترین این سازمانها یعنی کلانتری یک به محل فروشگاه فقط ۵۰۰ متر است) ولی از طرف هیچ سازمانی اقدام در اطفاء حریق و حفظ ایمنی اموال و محل بعمل نیامد. تلفنی از مامورین آتش نشانی تقاضای اقدام کردم گفتند دستوری برای آتش نشانی نداریم ابتدا با قرار دادن اتومبیلهای ارتش و شهربانی در دو طرف فروشگاه در عرض خیابان قبلاً مواد آتش زا آورده بودند و پس از شکستن در و شیشه ها و درآوردن قفل گاو صندوق و تخلیه گاو صندوق و بردن مبالغ زیادی پول و اوراق و اسناد، در داخل بنگاه ریخته و بعد آتش زده بودند وقتی من به محل رسیدم سرگرد گنجی صفار (رئیس کلانتری یک) در بلندگو فریاد زد خودش هم آمد که او را بکشید، من جان خود را در خطر دیدم و فرار کردم، آتش سوزی از ساعت ۲ بعد از ظهر تا ۱۱ شب ادامه داشته دو مغازه دیگر برادرانم را هم یکی موتور سیکلت فروشی دیگری دوچرخه فروشی است آتش زده اند و مبالغ هنگفتی به ما خسارت وارد کرده،

من چند روز متواری بودم بعد به مراجع مختلف شکایت کردم آقایان دادستان و بازپرس محل را معاینه کرده، از من و عده ای تحقیق بعمل آمده است.

افسرانی که در جریان دخالت داشته اند سرگرد گنجی صفار، سروان ریاضی و سروان فرزین بوده اند (که دو نفر اخیر هر یک مبلغی به من بدهکارند).

۲- دیدار از مسجد جامع

در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر به مسجد جامع کرمان که از آثار معماری و تاریخی بنام و چند صد ساله است رفتیم، اثرات گلوله در کاشی کاری در ورودی مشهود بود ساعت سردر مسجد هم که گفتند تصویری از حضرت آیت الله خمینی بر روی آن نصب بوده (در حال حاضر هم تصویر جدیدی از معظم له در آنجا نصب است) بضرر گلوله خراب شده، تمام شیشه های درهای شبستانها و کتابخانه و انبار خرد شده بود. در داخل مسجد، در صحن و در شبستانها زیلوهای نیم سوخته دیده شد که به روی پاره ای از آنها و بعضی از قالیها لکه های خون مشهود بود. لکه های خون بر روی زمین در قسمتهای مختلف مسجد دیده میشد، آثار گلوله در چندین نقطه در دیوار مسجد و انبوه لباسها و چادرهای زنانه در چند مکان و انبوه اوراق پاره شده و نیم سوخته قرآن مجید و کتابهای دعا و غیر آن دیده شد (نمونه ای از اوراق پاره شده یا دارای اثر سوختگی ضمیمه گزارش است - گفته میشد بیشتر قرآنها و کتابهای سوخته شده را از مسجد خارج کرده اند) کامپیوتر ساعت سردر مسجد شکسته شده و اثر گلوله بر روی آن مشهود است و آمپلی فایر مسجد هم در اثر ضربات وارده و پرتاب شدن از کار افتاده است. قسمتهای دیگری از دیوارهای شبستانها سیاه رنگ و دارای اثر دود و آتش است. در بیرون مسجد و مجاور آن در کرکره ای مغازه ای با گلوله سوراخ شده و شیشه آن شکسته بود در نزدیکی این مغازه دری که به سمت پشت بام مسجد میرود شکسته شده و گفته میشد این در را شکسته مقدار زیادی سنگ و به پشت بام مسجد برده و به سوی مردم پرتاب کرده اند.

در بازدید از مسجد با ازدحام جمع زیادی از مردم مواجه شدیم که با تاثر و التهاب فراوان کیفیت قضیه و وحشیگریهای مهاجمان را توصیف میکردند.

۳- بازدید چند محل خسارت دیده

پس از بازدید مسجد به محل فروشگاه بزرگ عقابیان هدایت شدیم شیشه های درها همه شکسته بود درهای مشبک آهنی را بالا کشیدند در داخل فروشگاه که وسعت زیادی دارد در طبقه همکف و طبقه زیر هر چه از اتومبیل و لوازم یدکی و قفسه و غیره دیده میشد سوخته و از حیز انتقاع افتاده بود گاوصندوق فروشگاه دیده شد که با دستگاهی قفل آنرا بیرون کشیده اند. بر در و دیوار و سقف آثار سوختگی و خرابی فراوانی بود. اما طبقات بالای ساختمان و ساختمان مجاور از آسیب محفوظ مانده بود.

توضیح اینکه این ساختمان چند طبقه و ملک آقای عقابیان است طبقه دوم در اختیار یک سازمان درمانی وابسته به وزارت بهداشتی و بهزیستی است که هیچگونه آسیبی ندیده ساختمان مجاور هم آسیب ندیده آقای عقابیان و اشخاص دیگر میگفتند که مواد آتش زای مخصوصی بکار برده اند که جز محل مورد نظر به جای دیگر آسیب نرساند، آقای عقابیان اظهار میداشتند که شب قبل به سازمان درمانی اطلاع داده بودند که اسباب و اثاثیه خود را خارج کنند.

۴- عیادت از یک مجروح (آقای رضوانی نژاد)

شب هنگام به عیادت آقای رضوانی نژاد عضو سابق هیئت علمی دانشگاه کرمان (در اواخر سال گذشته مانع ادامه کار او در دانشگاه شده اند) که در خانه بستری هستند رفتیم دست چپ ایشان شکسته و گچ گرفته شده در صورت او نیز آثار ضرب و جرح تقریباً التیام یافته دیده میشد ایشان اجتماع آرام مردم را در مسجد و اظهارات ملایم آقای صمدانی و حمله و خجوم به مسجد را به همان نحو که قبلاً نوشته شد توصیف کرده و افزودند که مهاجمان کولی، نظامی و پلیس بودند هرکس میخواست چوب و چماق را از دست کولیها و کولی نماها بگیرد با گلوله مامورین کشته میشد، من خواستم به فرار دیگران بخصوص

زنها و بچه ها کمک کنم چهار نفر به من حمله کردند و با چوب و باتون مرا به این روز انداختند ایشان پس از شرح مفصل ماجرای مضروب و بیهوش شدن و انتقالشان به بیمارستان گفتند مسلماً آنها میخواستند به کشتار عمدی مردم بپردازند و تظاهرات کولیا در اتومبیل‌های پیکان در خیابانهای شهر که صبح آنروز انجام شده، دادن چوب در پشت سازمان زنان و پشت مسجد جامع به کولیا و ترغیب مردم به رفتن به مسجد از طرف مامورین، سنگهایی که با کامیون از خیابان شاه نعمت الله ولی آوردن شده و به بام مسجد برده شده، وجود کپسولهای گاز در اختیار مهاجمین، وجود باتون های مخصوص پلیس در دست کولیا و اشرار، بستن درهای مسجد و شبستانهای آن برای محاصره و گرفتار کردن مردم و دلائل دیگر این مدعا را ثابت میکند.

عده ای در حدود چهل نفر از اعضاء هیئت علمی دانشگاه کرمان و دانشجویان آن دانشگاه نیز که در منزل آقای رضوانی نژاد حضور داشتند با تائید اظهارات ایشان، توضیحات مفصلی درباره نابسامانیهای دانشگاهی و روش پلیسی و نامنقول اولیاء دانشگاه و کمبودها و معایب کار دانشگاه دادند.

۵- ملاقات و مذاکره با مقامات قضائی

صبح چهارشنبه سه نفر از اعضاء هیئت برای تذکرات و تاکیدات قانونی لازم به مقامات قضائی به دادگستری دفتیم دراطاق آقای رئیس دادگستری استان با حضور آقای رفعتی دادستان شهرستان کرمان و سپس آقای احمدی بازپرس دادسرا که پرونده مربوط به حادثه برا اثر وصول اعلامیه فرهنگیان و شکایت آقای عقابیان و غیره نزد ایشان است مذاکراتی شد و با تصریح و تاکید درمراقبت جدی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و جمعیت حقوقدانان ایران و قاطبه ملت ایران و همچنین افکار عمومی جهان نسبت به فاجعه کرمان تقاضا شد با نهایت دقت و حق طلبی نسبت به قضیه و جمع آوری دلائل جرائم ارتكابی از هر قبیل (بخصوص فیلم بلویزیونی و فیلمها و عکسهای دیگر) در تعقیب متجاوزان و ماموران خاطی و مسببان و آمرین، اقدام و تعقیب قانونی بعمل آید تا ضمن مجازات توطئه گران و متصدیان به حقوق و مقدسات دینی مردم شان و احترام دستگاه قضائی حفظ گردد و اعتلاء یابد، مقامات مزبور اطمینان دارند که با دقت و جدیت تحقیقات و تعقیبات قانونی لازم معمول خواهند داشت چنانکه تاکنون از عده ای تحقق شده از محلهای آسیب دیده معاینه آمده و تحقیقات وسیعی در جریان است.

۶- حضور در اجتماع فرهنگیان

پس از آن همگی اعضاء هیئت به محل اجتماع فرهنگیان کرمان (در محوطه اداره کل آموزش و پرورش) رهسپار شدیم و در اجتهای که با حضور صدها نفر تشکیل شده بود شرکت کردیم سخنرانان فرهنگی و مذهبی درباره حادثه شوم روز دوشنبه و جنایات اشرار و ماموران و لزوم اتحاد و اتفاق مردم برای مقابله با اینگونه وقایع سخنان پر شوری میگفتند یکی از اعضاء هیئت (آقای دکتر ملکی) نیز ضمن بیان اینکه جمعیت‌های ما هیچگونه وابستگی به دستگاههای حکومتی ندارند و هدفشان تنها دفاع از حقوق مردم و مبارزه با مظالم اجتماعی است مردم را به اتحاد و همدلی و اعلم شکایات حقه خود و جمع آوری کلیه دلائل و مدارک حادثه شوم گذشته و مقابله با هر گونه حادثه ستم بار دیگری که رخ دهد تشویق نمودند این جلسه با شعارهای ملی و مذهبی پایان یافت یکی از گویندگان و اداره کنندگان اجتماع در پایان به تقاضای هیئت، خانواده های مقتولین و مجروحین را به شکایت به مراجع قضائی و استقامت در تظلمات خود دعوت و تشویق نمود.

(نسخه از اعلامیه های فرهنگیان ضمیمه این گزارش است)

۷- رفتن به دو بیمارستان باری عیادت مجروحین

و بالاخره بدو بیمارستان برای عیادت مجروحین که بستری شده اند رفتیم در بیمارستان کرمان - درمان، مسئولین بیمارستان اظهار داشتند فقط یک نفر از مجروحین باقی مانده از این مجروح عیادت شد جوانی است ۲۰ ساله شاگرد راننده گلوله یه مچ پایش خورده است.

ابتدا از اینکه مطلبی بگوید امتناع داشت با اطمینان و دلگرمی که به وی داده شد گفت در حالیکه از محل واقعه فرار میکرده مورد اصابت گلوله قرار گرفته است به دادگستری شکایت نکرده است، موكداً به او توجه داده شد که مراتب را به دادسرای کرمان که پرونده امر در آنجاست اعلام کند.

در بیمارستان راضیه فیروز نیز یک مجروح باقی مانده، مردی تقریباً ۳۵ ساله که ضربه مغزی به او وارد شده آثار ضرب و کوفتگی زیر چشمان او نیز باقی بود که به سختی قادر به گفتگو بود اما معلوم شد از دادسرا به دیدن او آمده و تحقیق کرده اند.

در این بیمارستان یکی از مجروحین فوت کرده بود عده ای هم که ظاهراً چند تن از مهاجمان در بین آنها بوده اند پس از پانسما و درمان بیمارستان را ترک کرده اند ضمناً مراجعه کنندگان بنا به اظهار مقیمان بیمارستان از اعلام هویت خود امتناع داشته اند.

۸- نتیجه گیریها و استنباط ها

از مجموع ملاقاتها و تحقیقات و گفتگوهای که با وجود اهالی و اوضاع و احوال، هیئت در مورد مقدمات و کیفیت قضیه و دست اندرکاران آن به نتایج و استنباط های زیر رسیده است:

۱) روز ۲۲ یا ۲۳ مهر ماه جلسه ای در استانداری با حضور آقای جهان بین معاون استانداری و آرشام رئیس ساواک و رئیس شهربانی (سرتیپ خانمردی) و رئیس ژاندارمری و نماینده ای از طرف ارتش تشکیل شده و طرح توطئه در این جلسه ریخته شده است.

۲) دکتر باقری رئیس لژیون خدمتگزاران بشر که برای کولپها تعدادی خانه ساخته است در به اجرا گذاردن توطئه مداخله داشته است.

۳) سید عباس طاهری (عباس پهلوان) از کارکنان شهرداری در دادن پول به کولپها و اجیر کردن کسان دیگر و بعداً در جمع آوری موتورها و دوچرخه های سوخته دخالت داشته و نمیتوان پذیرفت که اقدامات او بدون اطلاع شهردار صورت گرفته باشد.

۴) مردم قصد هیچ نوع عمل شدید نداشته اند از برنامه راهپیمائی نیز صرفنظر کرده بودند.

۵) کولپها و کولی نماها حداکثر ۲۰۰ نفر بوده و چنین جمعیت اندک نمیتواند بدون پشتیبانی مقامات انتظامی و امنیتی به جمعیتی مسلماً بیش از ده هزار نفر آنهم در مسجد حمله کنند و آن فجایع را به بار آورند.

۶) مهاجمان با باتون ها و چوبهائی به یک شکل و یک اندازه (که بالای چوبها میخ کوبی شده بود) مجهز بوده اند و این خود تجهیز قبلی آنها را بوسیله مامورین نشان میدهد.

۷) خرابیها و آتش سوزیها و آثار گلوله در مسجد جامع نشاندهنده شرکت مامورین در توطئه است.

۸) همچنین وجود گاز اشک آور و احتمالاً گاز خفه کننده و رها کردن آن در شبستان مسجد مداخله و همکاری ماموران را در مهاجمه نشان میدهد و پیداست که اینگونه گازها نمیتواند در اختیار کولپها باشد.

۹) عدم تعقیب و دستگیری کولی‌ها و اشرار از طرف مامورین و عدم گزارش به دادسرای کرمان موید مشارکت مامورین در جریان فاجعه است.

۱۰) نحوه آتش سوزی در مغازه‌ها که بکار بردن مواد منفجره مخصوص را می‌رساند.

(حریق از جایی که مورد نظر بوده بجای دیگر سرایت نکرده در صورتیکه از وسایل آتش هم استفاده نشده است).

۱۱) مهاجمان با قیافه‌ها و شکلهای متفاوت بوده‌اند و این نشان دهنده ترکیب و اختلاط کولیاها با عناصر و افراد دیگر است.

۱۲) مهاجمان شعارهایی به تظاهر به دولتخواهی و شاه پرستی میداده‌اند و افسران و پاسبانان بدنبال آنها حرکت میکرده‌اند.

۱۳) صاحبان مغازه‌ها و بنگاههایی که مورد هجوم و غارت واقع شده‌اند مشهور به هواخواهی از حضرت آیت الله خمینی بوده و عکسهای از معظم له داشته‌اند.

۱۴) رادیو و تلویزیون کرمان در برنامه دوشنبه شب خود تصریح کرده‌اند که پلیس در ماجرا پشتیبان کولیاها بوده است.

در فیلم تلویزیونی نیز افراد پلیس در میان کولیاها و اشرار در حال همکاری دیده شده‌اند.

۱۵) سرهنگ نشاط رئیس کارگزینی شهربانی و سرهنگ معتمد معاون اطلاعاتی شهربانی، سرهنگ سروری، سرگرد گنجی صفار، سروان فرزین و سروان صالحی از افسران شهربانی در اجرای توطئه مداخله و همکاری داشته‌اند.

۱۶) از پاسبانان نصیری و شیری در داخل مسجد و برائی و کردستی در خارج مسجد در حمله به مردم شرکت داشته‌اند و عده‌ای میگویند اینان تیراندازی کرده‌اند، حسینی پاسبان راهنمائی نیز در معرکه دخالت داشته است.

۱۷) همچنین به موجب اظهاراتی که میشد اشخاص زیر نیز از جمله مهاجمین و دخالت کنندگان در ماجرا بوده‌اند، دهکافی نام از کارگران دانشگاه که در خیابان چوب بدست مردم را میزده است و اصغر ذوالقیاس و همسرش، علی اصغری معروف به علی ریش - علیرضا ایلاتی میوه فروش - گلستانی معروف بزاغو گاریچی - تیمور فیلسوف قهوه چی و کارکنانش و همچنین حسین آراسته راننده تاکسی و علی خوارزمی که صبحانه کولیاها را داده و چوب و چماق برای آنها تهیه میکرده است.

۱۸) روز قبل دو وانت سنگ ظاهراً از سنگ تراشی داودی گرفته‌اند که بعداً بالای بام مسجد برده از آنجا مرم را سنگباران کرده‌اند.

۱۹) دو یا سه روز پس از واقعه کمیسیون دیگری از نمایندگان استانداری و مراجع امنیتی برای امحاء آثار جرائم واقعه تشکیل شده، ظاهراً دادستان شهرستان کرمان نیز به این جلسه دعوت شده ولی نامبرده به این عنوان که شرکت وی در این بحث مانع صلاحیت قضائیش درباره قضیه خواهد شد از شرکت در آن جلسه خودداری کرده است.

بالجمله واقعه نفرت انگیز و جنایت باری که اتفاق افتاده و متضمن هتک حرمت مسجد و کتاب خدا و سوختن و از بین بردن و آسیب رساندن متعلقات مسجد و کشتن و مجروح و مضروب کردن نفوس مردم از زن و مرد و کودک در داخل و خارج مسجد و آتش زدن و غارت کردن محل کار و اموال مردم شده بی شک ناشی از توطئه بزرگی بوده است که - نه برای نخستین بار - بمنظور اخافه و ارباب مردم به آزمایش گذارده شده و این بار کرمان را طعمه خود قرار داده و چنانکه قبل از

آن شیراز و آمل و میناب و پس از آن راور و همدان و... طعمه توطئه و اعمال رذیلانه و ضد انسانی و ضد دینی مشابه گردیده اند.

هیئت پیشنهاد میکند مصراً و مستمراً هم از مقامات قضائی محل و هم از مقامات حکومتی در مرکز پیگیری قضیه و تعقیب و مجازات شدید عاملان و آمران جرائم ارتكابی خواسته شود.

(سه برگ فتوکپی شکوائیه انجمن شهرستان کرمان و ۴ برگ اعلامیه های دیگر علمای کرمان و سایرین نیز ضمیمه است).
(۱)

از طرف جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

دکتر فتح الله ناصری علی شاهنده

از طرف جمعیت حقوقدانان ایران

دکتر نورعلی تابنده

۱. متأسفانه ضمائم این گزارش بدست نیامده است.